

بیرنگ کرمانشاهی

تذکره شعراء کرمانشاه تالیف باقر شاکری درباره این سخنور ضریر^(۱) چنین می نویسد
«میرزا کریم بیرنگ در سال ۱۲۸۰ خورشیدی (۱۳۱۹ قمری) متولد شد و در طفولیت،
حین تحصیل در مکاتب قدیمه بدرد چشم مبتلا شد یک چشم خود را از دست داد و
چشم دیگرش نیز آسیب دید، ناگزیر به ترک تحصیل گردید ولی بر اثر معاشرت با
دانشمندان و آزادیخواهان در سلک سرایندگان و نویسندگان قرار گرفت.

بیرنگ مدتی «صفائی» و چندی «سیه روزگار» تخلص می کرد ولی تخلص «بیرنگ» را بر
آن دو ترجیح داد و تا آخر عمر به همین تخلص نامیده شد. بیرنگ در آذر ۱۳۳۲
خورشیدی مطابق ۱۳۶۲ قمری در کرمانشاه در گذشت و غزل زیر از اوست.

غزل

طاقتی را که نه از فرقت تو طاق بود
می توان گفت که بر وصل تو مشتاق بود
همچو پروانه بسوزند ز حسرت پرخویش
شمع روی تو چو در محفل عشاق بود
با همه جور که دل از تو بدید است هنوز
مایل روی تو و بر سر میثاق بود
عاشق روی ترا نیست غم از بیم هلاک
ز آنکه عمری است بدین واقعه مصداق بود
زاهدان سلسله زلف تو از دست نهد
ناخلف باشد و در نزد پدر عاق بود

۱- ضریر؛ کور. نابینا «فرهنگ عمید

درد عشق ارچه بهم میزند ارکان وجود

لیک معجون دل و داروی اخلاق بود

شرح عشق تو بیایان نرساند (بیرنگ)

زانکه این قصه مفصل تر از اوراق بود